

## بررسی روایت فریدون آدمیت از نقش روحانیت در جنبش تحریم تنباکو

● مرتضی مصاحب‌نیا\*

۸۷

امضای قرارداد رژی و جریانات گسترده اعتراضی نسبت به اثرات و پیامدهای مخرب اقتصادی و سیاسی آن نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در بیداری افکار ایرانیان داشت.

مورخان بسیاری، چه همزمان با واقعه و چه بعد از آن، به طور مفصل و مستقل بدان پرداخته‌اند. هرچند هنوز خلأ یک تحقیق جامع و کامل، که به صورت بی‌طرفانه به واقعه تحریم تنباکو بپردازد و نقش هر یک از عوامل موثر در شکل‌گیری جنبش را موشکافانه بررسی کند، حس می‌شود. در این مقاله به بررسی و نقد یکی از آثار نوشته شده در این زمینه البته با تکیه بر نقش روحانیت و علما می‌پردازیم: شورش بر امتیازنامه رژی اثر فریدون آدمیت.

آدمیت که اکثر قریب به اتفاق آثار و تحقیقاتش را پیرامون مشروطیت تألیف کرده است و سرسلسله تحقیقات تاریخی مدرن در دوران پهلوی محسوب می‌شود، به دلیل موقعیت خاص اجتماعی، طبقاتی و سیاسی خود تلقی مثبتی نسبت به روحانیون و علما نداشته و این نگاه در تحلیل وی بسیار اثرگذار بوده است. «شورش بر امتیازنامه رژی» جزء آخرین آثار فریدون آدمیت به حساب می‌آید که در سال ۱۳۶۰ به طبع رسانیده است. نویسنده کتاب در پیشگفتار موضوع مورد بررسی خود را «محدود به حرکت سیاسی ضد رژی» می‌کند. در همین بخش در مورد نگرش و شیوه تاریخی خود که معمولاً در ابتدای تمامی آثارش از آن سخن به میان می‌آورد، توضیحاتی می‌دهد: «در این نگرش تاریخی مأنوسات ذهنی کنار نهاده می‌شوند، همه جا شک دستوری به کار

گرفته می‌شود که سره از ناسره باز شناخته گردد، افسانه راه نمی‌یابد و جلوه‌ای ندارد. لاجرم واقعیات می‌مانند...» روشی که البته آدمیت معمولاً بدان پای بند نمی‌ماند.

آدمیت در پیشگفتار از شیخ حسن کربلایی و اثر وی یاد می‌کند: «نویسنده ملایی که به زمان ماجرای رژی رساله بسیار سودمند و حاوی اطلاعات گوناگون و اسناد معتبر تدوین کرده اما حقوقش مهجور مانده بلکه ناسپاسی‌ها بر او رفته».

در ابتدای کتاب به فضای ملت‌هت جامعه و فعالیت مخالفان سیاسی حکومت و وفور اعلانات و شب‌نامه‌ها از یکسو و ناخرسندی عامه به دلیل فقر و گرانی ارزاق اشاره می‌کند. و در چنین شرایطی است که کمپانی وارد عمل می‌شود.

آدمیت در مورد نقش روشنفکران در اعتراض به رژی با استناد به نقل شیخ حسن، به یک مقاله و یک مصاحبه با صاحب امتیاز رژی از روزنامه/خبر اشاره می‌کند و نویسنده آنها را که از قول کربلایی «یکی از غیرتمندان از همه جا آگاه» لقب می‌دهد، میرزا آقاخان کرمانی می‌داند.<sup>۱</sup> و این نکته را هم خاطر نشان می‌سازد که «از آن مقاله که بگذریم انتقاد با ارزش دیگری از گروه روشنفکر سراغ نداریم. گروهی که در حرکت بر علیه دستگاه رژی سهم دیگری نداشت».<sup>۲</sup> وقتی به کتاب کربلایی مراجعه می‌کنیم به یک مقاله، که سراسر توهین به دین اسلام است، برمی‌خوریم که: «ای از فنون جدیدالاختراع علم سودمند طبیعت روی گردان و گریخته و به دامن پوسیده علم بی‌نتیجه شریعت کهنه هزار و اند ساله درآویخته...»<sup>۳</sup> در این نوشته مقاله‌نویس روزنامه/خبر دلیل عقب‌ماندگی مسلمانان را این می‌داند که «عمر گرانهای خودتان را به تحقیق حلال و حرام آیین بی‌رنگ و رونق اسلام به باد هدر می‌دارید». کربلایی جوابیه‌ای اعتراض‌آمیز به صاحب امتیاز روزنامه می‌نویسد. غیر از این مقاله، مصاحبه روزنامه/خبر با تالبوت هم در اثر شیخ حسن ذکر شده است. ولی مقاله‌ای که آدمیت می‌گوید در مورد اعتراض به قرارداد نگاشته شده دیده نمی‌شود. البته شیخ از فردی که او را «یکی از غیرتمندان که از همه جا آگاهست»<sup>۴</sup> بدون ذکر نام مطالبی می‌آورد که آن هم در دو پاراگراف خلاصه می‌شود؛ و البته نه با عنوان مقاله‌ای که در روزنامه/خبر چاپ شده است. جالب اینجاست که آدمیت در پاورقی همان صفحه اعلام می‌کند نسخه روزنامه/خبر در اختیارش نبوده و طبیعتاً آنرا از کربلایی نقل کرده. با این حساب مقاله مورد نظر آقای آدمیت همان مقاله سراسر توهین به دین اسلام است؛ که در آن البته از مخالفت با قرارداد رژی خبری نیست.

از مواردی که حقیقت‌نگاری آدمیت را مخدوش می‌کند قضیه شورش مردم ایالت فارس است. از آنجا که «ایالت فارس مهمترین منطقه تنباکو خیز ایران»<sup>۵</sup> است، طبیعی است نمی‌توان امیدوار به سکوت حاکی از رضایت مردم بود. آدمیت بیان می‌کند: «گروه معترضان کوشیدند پشتیبانی ملایان را بدست آورند. گرچه سعی شان فعلاً باطل بود»<sup>۶</sup>؛ و بعد از قول شیخ حسن مطلبی می‌آورد که با

بررسی روایت فریدون آدمیت از نقش روحانیت در جنبش تحریم تنباکو

ادعایی که کرده نمی‌خواند: «در شیراز مردم بر سر علمای بلد شورش نمودند. علمای بلد نیز به صلاح دین و دولت از پذیرفتن این‌گونه تکلیف شاق از دولت که منافی مقاصد ملت و ملک و دین است، اظهار گرانباری کردند.» به نظر می‌رسد با توجه به جریان واقعه‌ای که رخ داده و اعلام حمایت همه‌جانبه سیدعلی‌اکبر فال اسیری از اعتراضات مردمی و قرائن موجود در متن می‌توان گفت منظور شیخ حسن از لفظ «شورش»، اعتراض به علما نیست؛ بلکه معنای پناه آوردن از آن مستفاد می‌شود و آدمیت دچار خوانش ناصحیح متن شده است. همچنین در ادامه، آدمیت از موافقت سیدعلی‌اکبر فال اسیری با حرکت مردم گزارش می‌دهد. ابراهیم تیموری می‌نویسد:

وی در جمع مردم معترض در مسجد وکیل بر روی منبر رفته و علیه دولت و امتیاز سخن گفته است. او در پایان شمشیری را از زیر عبا درآورده و گفته: «موقع جهاد عمومی است ای مردم بکشید تا جامه زنان نپوشید. من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید شکمش را با این شمشیر پاره خواهم کرد.» آنگاه گریه‌کنان از منبر پایین آمد.<sup>۸</sup>

همکاری علما با معترضین به توقف چند روزه وابستگان کمپانی در بیرون شهر شیراز می‌انجامد. ولی آدمیت مصرانه اعلام می‌دارد: «ملایان، که در اول کار بی‌حرکت بودند و از همکاری [با معترضان] پرهیز می‌جستند، تحت فشار افکار عام به صحنه مخالفت با رژی کشانده شدند»<sup>۹</sup> آدمیت این انفعال را منحصر به علمای شیراز نمی‌کند و با نادیده گرفتن گواهی منابعی که همزمان و یا با فاصله‌ای کم با جریان نهضت نگاشته شده‌اند - مانند تاریخ دخانیه کربلایی، خاطرات امین‌الدوله، حیات یحیی، دکتر فوریه و ... - آن را به اکثر علما تعمیم می‌دهد. بد نیست در مورد نقش رهبر نهضت ضد رژی در فارس به بعضی از این منابع رجوع کنیم. در گزارش‌هایی که خفیه‌نویسان به انگلیسیها ارائه می‌دادند و بعدها تحت عنوان «وقایع اتفاقیه» به طبع رسید، ذکر شده:

... دیگر آنکه از بابت فقره تنباکو که امتیاز آن به کمپنی انگلیسی داده شده ملاحظاتی شیراز معرکه می‌کنند، روی منابر حرفهای بد می‌زنند. خصوصاً سیدعلی‌اکبر فال اسیری که بر روی منبر خیلی بدحرفی به دولت کرده است. نزدیک است مخلوق شیراز را به هیجان بیاورد.<sup>۱۰</sup>

و در جای دیگر: «... چون در ماه رمضان اغلب حاجی سیدعلی‌اکبر روی منبر با عبارات وحشت‌انگیز خلق را به هیجان می‌آورد»<sup>۱۱</sup> در خاطرات نظام‌السلطنه مافی هم آمده: «در حکومت معتمدالدوله که آقا سیدعلی‌اکبر شورش کرد و در مسئله تنباکو بلوای عظیم بر سر پا کرد معتمدالدوله از قوام‌الملک تبعید او را خواست...»<sup>۱۲</sup> امین‌الدوله هم اشاره می‌کند: «کار یک درجه بالا گرفت. علما و اهل منبر به ذم قدح دولت و دولتیان زبان گشودند و اول کسی که فضاحت آغازید فال اسیری بود. در شیراز شیرازه احترام دولت و سلطنت را گسیخت و آبروی حکومت ریخت»<sup>۱۳</sup> ظل‌السلطان می‌نویسد: «باری خبر

اغتشاش فارس و بر هم خوردن میانه صاحب دیوان قوام و خروج حاج سیدعلی اکبر فال حصیری، به اصفهان رسید.» و به ناصرالدین شاه قول می دهد دو - سه روزه قضیه را فیصله دهد.<sup>۱۴</sup>

آدمیت ادعای دیگری نیز بدون ذکر هرگونه دلیل و مدرکی مطرح می کند و آن اینست که: «سید مقام ممتاز علمی نداشت. اما همگام شدنش با مخالفان رژی بر اعتبارش در انظار مردم افزود.»<sup>۱۵</sup>

اما واقعیت چیز دیگری است. در کتاب نقش مجتهد فارس از قول شیخ آقا بزرگ تهرانی آمده است: «او از فقهای برجسته و علمای بزرگ بود ... وی کتابی مفصل در میراث نگاهت که دال بر مقام [علمی] و خبرگی وی می باشد.»<sup>۱۶</sup>

در کتاب فارسنامه ناصری هم آمده است:

حاج سیدعلی اکبر فال اسیری در سال ۱۲۵۶ در قصبه اسیر گرمسیر فارس متولد شده در خدمت علام فهم، افضل علما شیخ محمد اسیری تحصیل کمالات علمیه نموده و در سال ۱۲۷۰ و اند به شیراز آمده و در خدمت علامه زمان حجت الاسلام حاج شیخ مهدی کجوری تکمیل مراتب فقهیه و اصولیه را نمود به زیور اجتهاد محلی گردید و هر روز طلاب علوم را مستفیض نماید.<sup>۱۷</sup>

نقش علما در حوادث شیراز به حدی پررنگ و برای صاحبان امتیاز به قدری مهم بود که در گزارش کندی به سالیسبوری می توان بازتاب آن را یافت: «این شکست جناح ملایان متعصب شیراز که زیاد منتفذ هستند به اعلی درجه به نفع مصالح اروپاییان است.»<sup>۱۸</sup> نکته جالبی که نگارنده در حین بررسی منابع، به آن برخورد اینست که فریدون آدمیت هم این سند را مشاهده و حتی از آن استفاده کرده است؛ ولی برای این که القائاتی که قبلاً در مورد انفعال و عدم همراهی علما با مردم داشته مورد خدشه قرار نگیرد، فقط بخش آخر آن را در کتاب خود آورده به این صورت که: اقدام دولت «به حد اعلا در حفظ منافع اروپاییان سودمند است»<sup>۱۹</sup> این گزینشی برخورد کردن و سانسور اسناد نقطه تاریکی در کارنامه تاریخ نگاری فریدون آدمیت است که به یکی - دو مورد و یک کتاب محدود نمی شود.

\*\*\*

میرزای شیرازی در کتاب آدمیت و البته تا حدودی در تاریخ دخانیه کربلایی دور از عالم سیاست و بی تفاوت نسبت به آن معرفی شده است. آدمیت می گوید: «میرزا] از سیاست یکسره پرهیز می جست.»<sup>۲۰</sup> باید گفت این مسئله برمی گردد به تفکر سیاسی میرزا که در اینجا به صورت بسیار مختصر بدان پرداخته خواهد شد.

در فتوایی که در سال ۱۳۰۶ (سه سال قبل از واقعه رژی) از طرف ایشان بر «ترتیب مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفره به محروسه ایران» و اینکه «به هر وسیله ای که ممکن باشد رفع این مفاسد شود»<sup>۲۱</sup> صادر شده است نکته ای هست که شاید بتوان تفکر سیاسی ایشان را دریافت: «در اعصاری که دولت و ملت [= دین و شریعت] در یک محل مستقر بود چون زمان حضرت ختمی مآب(ص)

بررسی روایت فریدون آدمیت از نقش روحانیت در جنبش تحریم تنباکو

تکلیف سیاست در این قسم از امور عامه در عهده همان شخص معظم بود. و حال که به اقتضای حکمت الهیه جل ذکره هر یک در محلی است؛ در عهده هر دو است که به اعانت یکدیگر دین و دنیای عباد را حراست کرده، بیضه اسلام را در غیبت ولی عصر (عج) محافظت نمایند.» و البته این اندیشه به معنی رها کردن مردم در آغوش ستم پادشاهان نیست. در ابتدای فتوا، میرزا اشاره می‌کند «ملتفت» نفوذ اقتصادی بیگانه «که مایه خرابی دین و دنیای مسلمین است بوده‌ام.»

نکته دیگر که لازم به ذکر است برمی‌گردد به مفهومی که آدمیت از کلمه «ملت» در تلگراف نخست میرزای شیرازی به شاه درمی‌یابد و همین پایه تحلیل‌های او می‌شود:

میرزا این سخن را تحت تأثیر شکایت‌نامه‌های پی‌درپی که از طبقات مختلف مردم خاصه تجار و کسبه به او می‌رسید، نوشت. تذکر هوشمندان او بر اینکه دولت می‌تواند در اقدام به نفی امتیازنامه‌ها به اتفاق کلمه ملت (یعنی جمهور مردم مسلمان) معتذر گردد، مؤید همان معناست.<sup>۲۲</sup> به نظر می‌رسد معنایی که آدمیت از کلمه ملت برداشت کرده آن چیزی نیست که مد نظر میرزا بوده؛ چرا که در بخشی دیگر از همین تلگراف از مردم با عنوان رعیت نام برده شده که البته در آن زمان رایج بوده است. کلمه ملت در ادبیات دینی ما در آن دوره به معنی دین و مذهب و خاصه در اینجا به معنای علمای دین است. بنابراین میرزا از شاه می‌خواهد که با کمک و همراهی با علما «این مفساد را به احسن وجه تدارک»<sup>۲۳</sup> نماید. این برداشت به اندیشه سیاسی میرزا نیز نزدیکتر است.

\*\*\*

در مورد اعتراضات آذربایجان نیز ادعاهایی مشابه ماجرای شیراز بیان می‌شود: «بدین معنی که در تبریز نیز نخست تجار با همراهی مردم به معارضه آمدند و ملایان یکسره دامن فراییدند تا اینکه در برابر تهدید مردم به صحنه کشانده شدند.»<sup>۲۴</sup> هر چند آدمیت برای گفته‌هایش سند و مدرکی ارائه نمی‌کند ولی ما مدارکی داریم که خلاف آن ادعا را اثبات می‌کند:

مملکت آذربایجان که عمومی مردم، خاصه علمای اعلام تبریز مخصوصاً جناب مستطابان شریعتمداران آقای حاجی میرزا جواد و آقای حاجی میرزا یوسف آقا مجتهدان مسلم القولان تبریز، الحق بر حسب وظیفه و منصب بزرگ خودشان در مقام خیرخواهی ملت و دولت اسلام از هیچ رو خودداری نفرمودند. از آغاز تا انجام در مقام امتناع از پذیرفتن این گونه تکلیفی که منافی مقاصد دین و دولت بود، به پای مقاومت و مردانگی ثبات ورزیدند...<sup>۲۵</sup>

نیکی کدی در کتابش اعلام می‌کند در بایگانی سفارت انگلیس سابقه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد امین‌السلطان راجع به دومین طغیان بزرگ ضد رژی، یعنی اعتراض تبریز گفته است: «حالا ثابت شده است که مجتهد (منظور میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی است) نقش فتنه‌انگیز بزرگی در تمام آشوبهای اخیر مربوط به رژی ایفا کرده...»<sup>۲۶</sup>

و همچنین در نامه شدیداللحنی که شاه به میرزا حسن آشتیانی می‌نویسد مطلبی آمده که از آن پایداری سرسختانه علمای تبریز و اصفهان در مقابل امتیاز، فهم می‌شود: «... من شما را آدم فقیر و شخص ملای بی‌غرض و دولت‌خواه می‌دانستم. حالا بر ضد آن می‌بینم که اقتباس به مجتهد تبریز و آقای نجفی اصفهانی و غیره می‌کنید...»<sup>۲۷</sup> با این اوصاف جایی برای چنین تحلیل‌هایی که «مجتهد بزرگ شهر هم چون سایر علما ناگزیر که باز در برابر تهدید مردم و نفوذ افکار عام، از مسلک خویش که معمولاً همکاری با دولت بود منحرف گردد و به راه مردم بیاید»<sup>۲۸</sup> باقی نمی‌ماند.

آدمیت نسبت به میرزا حسن آشتیانی هم چندان نظر مساعدی ندارد. وی در جواب «تلخ‌گویی و پرخاش شاه به آشتیانی» انتظار دارد که وی «پاسخ تند و دندان‌شکنی»<sup>۲۹</sup> به شاه بدهد که این با توجه به شأن و جایگاه ظاهری شاه و با بررسی نامه‌نگاریهای رسمی آن زمان انتظاری غیرمنطقی و احساسی است. در حالیکه جواب آشتیانی سیاستمداران بوده است تا جایی که شاه وادار می‌شود در نامه دوم خود لحن ملایم‌تری را به خدمت بگیرد.

حال می‌پردازیم به روشی که آدمیت در تحریف شخصیت میرزا حسن آشتیانی بدان متوسل شده است. آدمیت منبع این گفته خود را شیخ حسن کربلایی ذکر می‌کند. ولی مطلبی که الفا می‌کند نسبت به گفته‌های کربلایی دیگرگونه و حتی متضاد است. ابتدا سخن کربلایی را بیان می‌کنیم و سپس نقل آدمیت از کربلایی: «در شبی که احتمال دستگیری آشتیانی توسط مأمورین حکومت بود [اهل علم دارالخلافه را نهایت درجه وحشت و اضطراب دست داده، خاصه خانواده جناب ملاذالاسلام را که می‌توان گفت در آن شب پریشان‌تر و اندوهناک‌تر از ایشان در تمامی آن شهر نبود. خود آن جناب مانند مارگزیده سراپا در پیچ و تاب گاهی به اندرون خانه، زنان را از زاری و بی‌قراری تسکین داده امر به صبر و شکیبایی فرموده و گاهی در سرای بیرون مردمی را که بدین جهت مجتمع بودند نصیحت فرموده از فتنه‌سازی و شورانگیزی ممانعت می‌نمودند.»<sup>۳۰</sup>

روایت آدمیت به نقل از کربلایی: «معهدا به گواهی شیخ کربلایی حجت‌الاسلام از وحشت چون مارگزیده در پیچ و تاب بود تا اینکه فرستاده عضدالملک از کوچه‌های تنگ و تاریک سنگلج فانوس بدست رسید. آشتیانی را تأمین کامل داد. اکنون امام شهر خاطر جمع شد و آرام گرفت.»<sup>۳۱</sup> نیاز به توضیح نیست و خواننده از مقایسه دو پاراگراف بالا دو معنای متضاد را درک خواهد کرد.

آدمیت در یکی دیگر از آثارش می‌نویسد: «آن ملای آشتیانی هم مجتهد پرهیزگاری نبود.»<sup>۳۲</sup> با همه این اوصاف میرزا چنان در تهران از اقتدار و حجیت برخوردار بود که به گفته ناظم‌الاسلام، ناصرالدین شاه برای شکست رونق بازار میرزا «چاره را در آن دید که یکی را در مقابل میرزا ترقی دهد... و آن هم سیدمحمد طباطبایی است که در جمادی‌الاولی ۱۳۱۱ وارد دارالخلافه طهران شد.»<sup>۳۳</sup> همچنین نیکی کدی اشاره می‌کند: «در جریان تحریم تنباکو [از آنجا که آشتیانی وجهه زیادی

بررسی روایت فریدون آدمیت از نقش روحانیت در جنبش تحریم تنباکو

داشت علما و بازرگانان به وی توسل جسته بودند<sup>۳۴</sup> و البته خلأ و خللی که بعد از فوت او در ۱۳۱۹ ق به وجود آمد و در منابع مستشرقانی چون الگار از آن به رقابت علما برای کسب مقام روحانی اولی دارالخلافة تعبیر می‌شود، نشانگر موقعیت ممتاز میرزای آشتیانی است.

### نتیجه‌گیری

در آخر نتیجه‌ای که از این بررسی مختصر می‌توان اخذ کرد این است که تحلیل آدمیت از اقدامات و فعالیتهای روحانیون و علما در مبارزه با استعمار و به خصوص جریان تحریم تنباکو چندان منصفانه و بی‌طرفانه انجام نشده است و این ناشی از یک بدبینی ریشه‌دار نسبت به این قشر از جامعه است؛ تا حدی که در مقام انکار تأثیر اقداماتشان برمی‌آید. در حالی که منابع دیگری نیز هستند که علی‌رغم عداوت با روحانیت تأثیر و نفوذ آنها را نفی نکرده‌اند. کسروی در ابتدای تاریخ مشروطه‌اش در مورد جنبش تنباکو می‌گوید: «در همه علما پیشگام بودند»<sup>۳۵</sup> امین‌الدوله هم در مواردی به این مسئله اشاره دارد مانند جنبش شیراز که گفته وی قبلاً ذکر شد.

فووریه پزیشک ناصرالدین شاه هم در خاطراتش می‌نویسد: «امروز اختیار به کلی در قبضه آخوندهاست»<sup>۳۶</sup> و در آخر پیتر آوری چنین استنباط می‌کند: «لغو امتیاز تنباکو پیروزی روحانیون محسوب می‌شود و شاه هرگز موقعیت قبلی خود را بدست نیاورد».<sup>۳۷</sup>

آدمیت البته در تحلیل نهایی خود در لفافه و غیرمستقیم نفوذ روحانیت را بر مردم و بر شاه می‌پذیرد. «افزایش نفوذ ملایان تناسب مستقیم داشت با سرخوردگی مردم از حکومت و ناراضماندی‌شان از عاملان دولت»<sup>۳۸</sup> وی از تحلیل امین‌الدوله که خطاب به شاه ایراد شده کمک می‌گیرد که: «تدبیر و کفایت علما باعث تقدم و شدت نفوذ ایشان نشده... بی‌اعتنایی و ناحسابی و شر و شلتاق دستگاه دولت و سیاق حکمرانی، مردم را نه از روی اعتقاد و ایمان و نه دلخوشی و امید به آقایان ملتجی کرده است...»<sup>۳۹</sup> البته این تحلیل تنها متعلق به امین‌الدوله که متمایل به افکار روشنفکرانه بود نیست. بلکه افراد هم‌مشرک وی مانند یحیی دولت‌آبادی هم از قدرت‌گیری معنوی روحانیون در میان مردم اظهار نگرانی می‌کنند.<sup>۴۰</sup> و این خود حکایت می‌کند از تقابل عظیم‌تری که در آینده‌ای نه چندان دور به وقوع می‌پیوست و فصل نوبتی از تاریخ ایران را رقم می‌زد.

### منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون، شورش بر امتیازنامه رژی، تهران، پیام، چاپ اول ۱۳۶۰.
- آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، چاپ اول ۲۵۳۵ (۱۳۵۵).
- آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، چاپ دوم ۱۳۶۹.

- امین‌الدوله، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۷۰.
- تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم ۱۳۵۸.
- حسینی فسائی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۷.
- خاطرات و اسناد حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی (باب اول)، به کوشش معصومه نظام مافی و منصوره اتحادیه (نظام مافی) تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۲.
- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، عطار، فردوس، چاپ پنجم ۱۳۷۱.
- رحمتی، محمدرضا، نقش مجتهد فارس در نهضت تنباکو، قم، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران (بخش رجال)، چاپ اول ۱۳۷۱.
- سده تحریم تنباکو (به مناسبت یکصدمین سالگرد قیام تحریم تنباکو فصل نوین تاریخ سیاسی ایران)، به اهتمام موسی نجفی، رسول جعفریان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- ظل‌السلطان، تاریخ سرگذشت مسعودی، تهران، بابک، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- فووریه، ژوانس، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران، علم، چاپ اول ۱۳۸۵.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۲۵۳۷ (۱۳۵۷).
- نیکی. ر. کدی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم ۱۳۵۸.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، چاپ سوم، شهریور ۱۳۶۱.
- وقایع اتفاقیه (مجموعه گزارشهای خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری) به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، نوین، ۱۳۶۲.

### پانوشتها

- \* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱- آدمیت، فریدون، شورش بر امتیاز نامه رژی، تهران، پیام، ۱۳۶۰، ص ۱۰.
- ۲- پیشین، ص ۱۱.
- ۳- نجفی، موسی و جعفریان، رسول، سده تحریم تنباکو، دفتر دوم، تاریخ دخانیه، اثر شیخ حسن کربلایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۳۸.
- ۴- پیشین، ص ۵۱.
- ۵- آدمیت، پیشین، ص ۱۰.



بررسی روایت فریدون آدمیت از نقش روحانیت در جنبش تحریم تنباکو

- ۶- پیشین، ص ۱۹.
- ۷- پیشین.
- ۸- تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸، ص ۶۹.
- ۹- آدمیت، پیشین، ص ۲۰.
- ۱۰- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر، وقایع اتفاقیه (مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری) تهران، نوین، ۱۳۶۲، ص ۳۷۶.
- ۱۱- پیشین، ص ۳۷۸.
- ۱۲- نظام‌مافی، معصومه و اتحادیه (نظام مافی)، منصوره، خاطرات و اسناد حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی (باب اول) تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم، بهار ۱۳۶۲، ص ۱۸۲.
- ۱۳- امین‌الدوله، خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ص ۱۴۱.
- ۱۴- ظل‌السلطان، تاریخ سرگذشت مسعودی، تهران، بابک، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۳۱۶-۳۱۷.
- ۱۵- آدمیت، پیشین، ص ۲۰.
- ۱۶- رحمتی، محمدرضا، نقش مجتهد فارس در نهضت تنباکو: به نقل از شیخ آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، نقباءالبشر، ناشر دارالمرتضی للنشر، ج ۴، ص ۱۵۸۴.
- ۱۷- حسینی فسایی، حاج‌میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسائی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۹۱۴.
- ۱۸- کدی، نیکی. ر.، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص ۸۲.
- ۱۹- آدمیت، پیشین، ص ۲۱.
- ۲۰- پیشین، ص ۲۶.
- ۲۱- نجفی، موسی، سده تحریم تنباکو، بسط حوزه تحریم اقتصادی به روایت ده سند و اعلامیه تاریخی (مقاله چهارم) صص ۸۹-۹۰.
- ۲۲- آدمیت، پیشین، ص ۲۸-۲۷.
- ۲۳- سده تحریم تنباکو، تاریخ دخانیه، ص ۸۱.
- ۲۴- آدمیت، پیشین، ص ۳۱-۳۲.
- ۲۵- سده تحریم تنباکو، تاریخ دخانیه، ص ۷۵.
- ۲۶- نیکی کدی، ص ۸۰.
- ۲۷- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، چاپ سوم، شهریور ۱۳۶۱، ص ۲۳.
- ۲۸- آدمیت، پیشین، ص ۴۳.
- ۲۹- پیشین، ص ۱۰۱.
- ۳۰- سده تحریم تنباکو، تاریخ دخانیه، ص ۱۶۶-۱۶۷.
- ۳۱- آدمیت، پیشین، ص ۱۱۱.
- ۳۲- آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، چاپ اول، ۱۳۵۵، ص ۳۷.
- ۳۳- ناظم‌الاسلام، ص ۶۲.
- ۳۴- نیکی کدی، ص ۱۲۶.
- ۳۵- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۲۵۳۷ (۱۳۵۷)، ص ۱۶.
- ۳۶- فورویه، ژوانس، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران، علم، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۲۶.
- ۳۷- آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۲۰۰.
- ۳۸- آدمیت، پیشین، ص ۱۳۶.
- ۳۹- امین‌الدوله، ص ۱۵۶.
- ۴۰- دولت‌آبادی، یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۱، تهران، عطار، فردوس، چاپ پنجم، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷.